

آیین دادرسی مدنی


(ویژه آزمون وکالت)


مدرس طالب ملایی

(مدرس دانشگاه، دارنده مدال طلای المپیاد حقوق و عضو بنیاد ملی نخبگان)

اطلاع از خدمات آموزشی : ۰۹۳۶۴۴۲۲۰۹۲ - ۰۹۹۲۴۴۸۱۵۶۸

و مراجعه به سایت ستارگان وکالت به نشانی : setareganevekalat.com

 [setareganevekalat](https://www.instagram.com/setareganevekalat)

 [setareganevekalat](https://www.telegram.com/setareganevekalat)

<https://setareganevekalat.com>

(جلسه دوم)



جلسه دوم

به طور خلاصه گفته شد که آیین دادرسی مدنی حقوق تضمین کننده است که حقوق تعیین کننده و ماهوی را تضمین می کند. و آیین دادرسی که خودش آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی اداری است اولاً بستگی به نوع دعوا و طرف دعوا دارد.

خلاصه :

انکار یا تضییع حقوق ممنوع است.

حالت اول : اگر ممنوعیت انکار و تضییع به قید مجازات نباشد دعوا مدنی است و دو طرف دعوا خواهان و خوانده گفته می شود و خواهان در مقام اقامه دعوا و پیگیری آن و خوانده در مقام دفاع و مرجع صالح در مقام رسیدگی می بایست اصول و قواعدی را رعایت نمایند که آیین دادرسی مدنی نامیده می شود .

حالت دوم : اگر ممنوعیت انکار و تضییع به قید مجازات باشد دعوا کیفری است و دو طرف دعوا کیفری یعنی شاکی و متشاکی و مرجع صالح می بایست اصول و قواعدی را رعایت نمایند که آیین دادرسی کیفری نامیده می شود.

حالت سوم : اگر انکار کننده یا تضییع کننده حق دولت و تشکیلات عمومی باشد دعوا اداری نامیده می شود و طرفین دعوا و مرجع صالح می بایست اصول و قواعدی را رعایت کنند که آیین دادرسی اداری نامیده می شود.

حقوق تعیین کننده را با حقوق تضمین کننده شناختیم و قانون شکلی را با قانون ماهوی تشخیص می دهیم .

حالا امور ترافعی را هم بهتر است که با ضدش بفهمیم و ضد آن حقوق امور حسبی است.

قاعده این است که دادگاه زمانی ورود کند و شروع به رسیدگی کند که اختلافی باشد و دعوایی را پیش دادگاه بیاورند .

امور ترافعی اموری است که ورود و رسیدگی دادگاه به آنها متوقف است بر پیدایش یک اختلاف، نزاع . در مقابل امور حسبی است که ورود و رسیدگی دادگاه به آنها نیاز به پیدایش اختلاف و نزاع نیست و دادگاه باید به آنها رسیدگی کند بدون اینکه اختلافی وجود داشته باشد. مثلاً غایب مفقودالثر ، باید یکسری اقدامات انجام شود.

سوال : در امور ترافعی باید آیین دادرسی مدنی رسیدگی شود و رعایت شود و در دعوی مدنی رعایت آیین دادرسی مدنی توسط همه مراجع لازم است. در امور حسبی چگونه است؟

پاسخ : مطابق خود قانون امور حسبی موارد حسبی هم تابع موارد آیین دادرسی مدنی است البته اگر قانون امور حسبی مقرره خاصی نداشته باشد.

خلاصه :

امور یا ترافعی هستند یا حسبی هستند . اصل آن است که دادگاه صرفاً زمانی وارد رسیدگی و پیگیری و حل و فصل می شود که مرافعه ، اختلاف و نزاعی وجود داشته باشد. در موارد استثنایی ورود و رسیدگی دادگاه متوقف بر مرافعه نیست و دادگاه باید بدون وقوع نزاع و



اختلاف رسیدگی کند. این دسته امور ، امور حسبی نامیده می شود که در مقابل امور ترافعی است. همچون اعلام حجر ، تعیین قیم برای محجور و رسیدگی به امور ماترک و

قانون آیین دادرسی مدنی علاوه بر دعاوی مدنی و بازرگانی ، نسبت به امور حسبی هم حاکم است به شرط آنکه قانون امور حسبی قاعده ی خاصی نداشته باشد.

سوال : ویژگی قواعد آیین دادرسی مدنی که حقوق تعیین کننده است چیست؟

پاسخ : قواعد آیین دادرسی مدنی ، دو ویژگی دارد :

(۱) آمره است.

(۲) عطف بما سبق می شود و اثر فوری دارد.

هر دوی این قواعد خلاف اصل است .

قواعد آیین دادرسی مدنی اصولا آمره هستند. لذا امکان توافق بر خلافش وجود ندارد.

شما هم در مدنی و هم در جزا خوانده اید که اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون اثر فوری ندارد و همانجا یک استثنایی که برای آن گفته می شود این است که قوانین شکلی معمولا عطف بما سبق می شوند.

خلاصه :

ویژگی های مقررات آیین دادرسی مدنی :

(۱) اصولا آمره هستند نه مخیره و تکمیلی . بنابراین امکان توافق بر خلاف آن ها وجود ندارد و عرف خلاف آن هم به رسمیت شناخته نمی شود .

(۲) اصولا عطف بما سبق می شوند و اثر فوری دارند و نسبت به پرونده های مطروحه و در جریان اعمال می شوند.

در مقررات آیین دادرسی مدنی چه قواعد عام و چه قواعد خاص شما هر مقررره ای که ببینید یکی از این سه دسته است. و خارج از این سه تا نیست.

(۱) راجع به سازمان قضات و تشکیلات قضایی صحبت می کند. برخی از مقررات آیین دادرسی مدنی این سازمان را معرفی می کند.

(۲) قواعدی است که مربوط به صلاحیت ها است . صلاحیت ها یعنی چه حقی برای رسیدگی دارند و قلمرو آنها کجاست.

(۳) قواعد آیین دادرسی مدنی به معنای اخص.

قواعدی که مربوط به صلاحیت ها است خودش بر دو نوع است :

(۱) مربوط به صلاحیت ذاتی است.



(۲) مربوط به صلاحیت محلی و نسبی است.

اگر به شما راجع به صنف و نوع و درجه دادگاه ها می گوید که آیا این عام است یا خاص است . آیا بدوی است یا تجدیدنظر است.
اگر راجع به صنف و نوع و درجه صحبت می کند قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی است . اما اگر نگاهش به تقسیمات کشوری است و آدرس و محل ملاک است نه ذات آن دادگاه ، قواعد مربوط به صلاحیت محلی یا نسبی می شود.

(۱) مربوط به تشکیلات قضاوتی :

سوال : قواعد مربوط به سازمان و تشکیلات قضایی چرا تغییر می کند؟

پاسخ : برای بهتر شدن . یعنی این نظام و سیستم و این تشکیلات یک مشکلی و مسئله ای داشته و بعد برای بهتر شدن تصمیم گرفته شده که تغییری در آن ایجاد شود . اگر اینطور باشد باید حفظ شود پس امره است و فوراً عطف بما سبق می شود. اگر برای بهتر شدن است باید همین الان اعمال شود.

(۲) قواعد مربوط به صلاحیت :

یا صلاحیت ذاتی بود یا صلاحیت نسبی.

قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی ، یعنی آن حق تمتع و صلاحیت وجودی دادگاه ، هم امره است یعنی امکان توافق بر خلافش نیست و هم عطف بما سبق می شود.

قواعد مربوط به صلاحیت نسبی به نظم عمومی کاری ندارد و برای رفاه حال افراد است و عموماً عطف بما سبق نمی شوند.

(۳) قواعد آیین دادرسی مدنی به معنای اخص :

لزوماً امره هستند و اصولاً هم عطف بما سبق می شوند مگر در موارد استثنایی. (مثل حقوق مکتسب)